

علم أصول الفقه

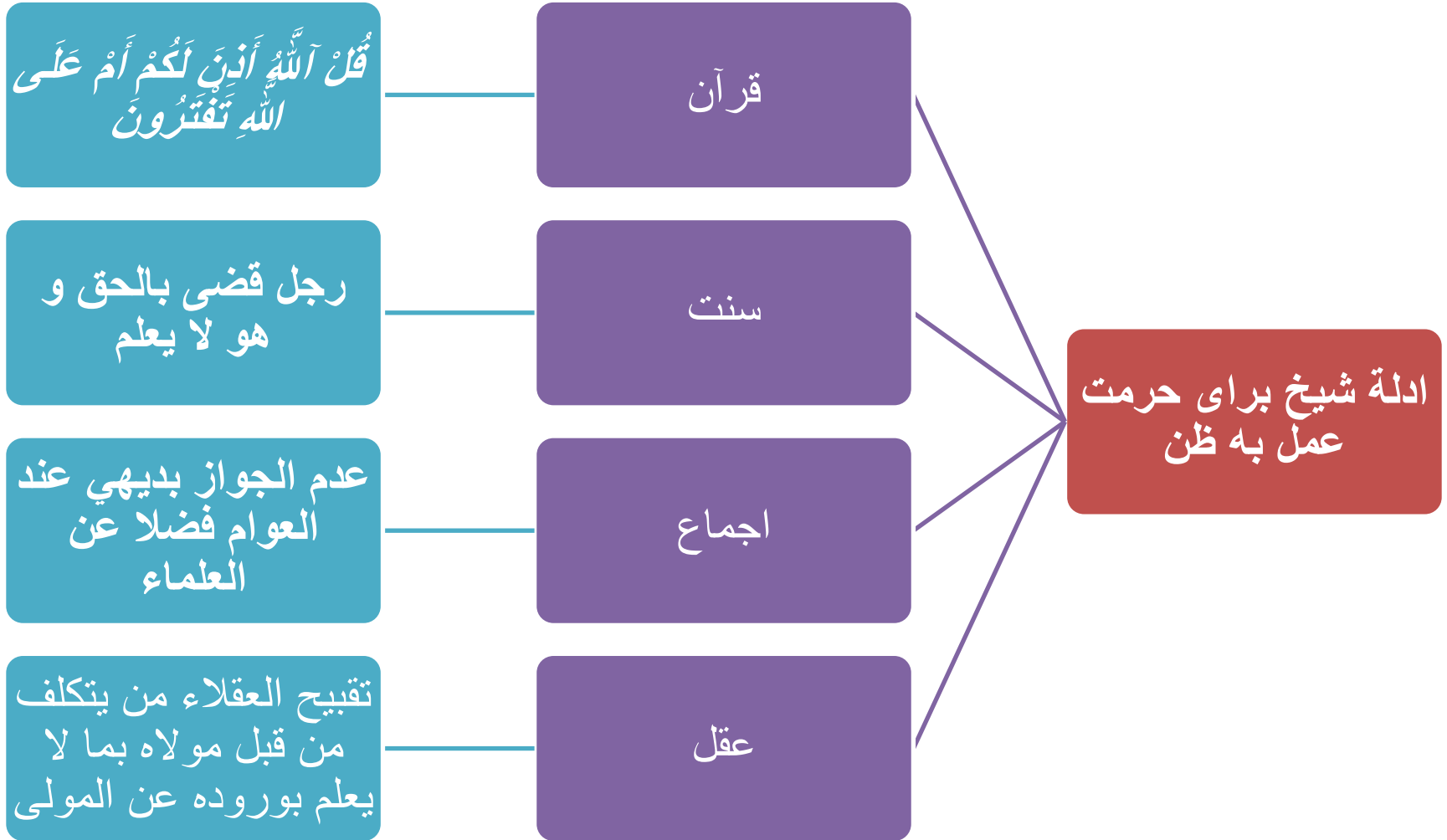
٣-٩-٩٢ حجية الظن في نفسه ١٩

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

حجية الظن في نفسه

- سؤال این است که **ظن** یعنی حالتی که در آن احتمال خلاف (عدم مطابقت) کمتر از احتمال وفاق (مطابقت) است، **فی حد نفسه** یعنی با قطع نظر از منشأ پیدایش آن **چه حکمی دارد؟**

حجية الظن في نفسه



حجية الظن في نفسه

تمسك به ظهور آية و روایت قبل از اثبات حجیت ظهور

تمسك به روایت ضعيف

تمسك به اجماع منقول

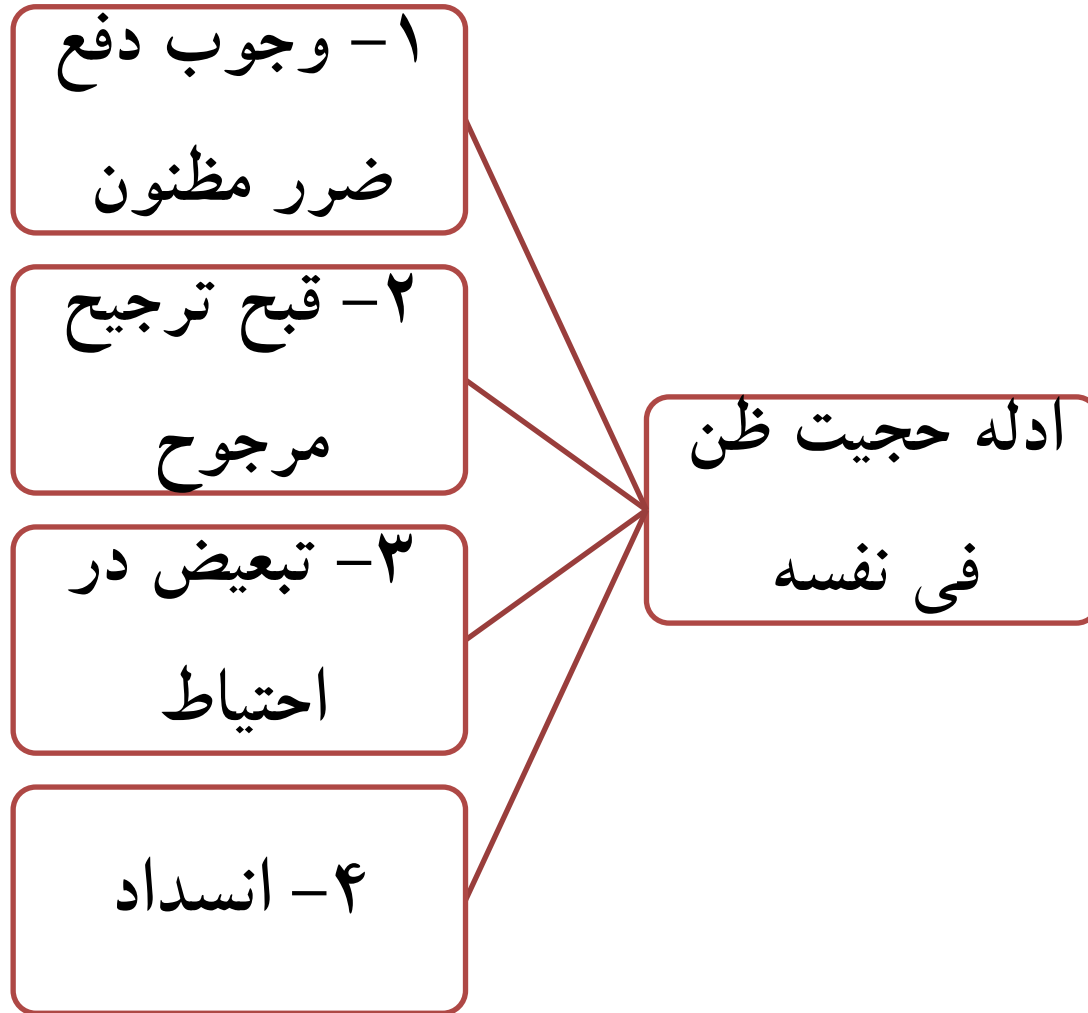
مصادره به مطلوب در تمسك به ظهور آیه و روایت

قياس افتا به قضاوت

خلط بين حكم عقل و عقلا

اشکالات
ادله شيخ
انصاری

حجية الظن في نفسه

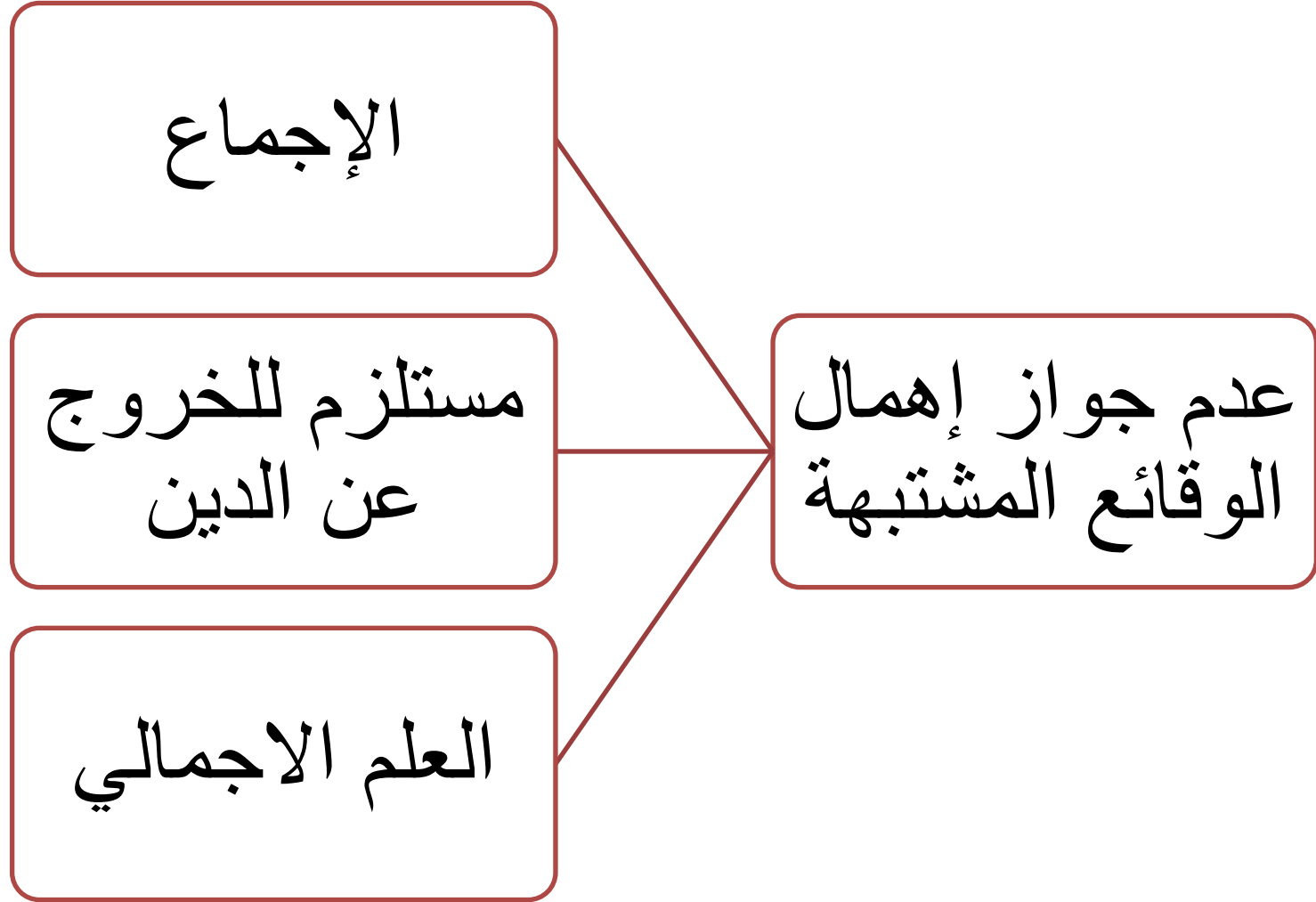


دليل انسداد

- الرابع دليل الانسداد
- و هو مؤلف من مقدمات
- يستقل العقل مع تحققها بكفاية الإطاعة الظنية **حكومة** أو **كشفا** على ما تعرف و لا يكاد يستقل بها بدونها و هي خمس:
- أولها أنه يعلم إجمالاً بثبوت تكاليف كثيرة فعلية في الشريعة.
- ثانيها أنه قد انسد علينا باب العلم و العلمى إلى كثير منها.

دليل انسداد

- ثالثها أنه لا يجوز لنا إهمالها و عدم التعرض لامثالها أصلاً.
- رابعها أنه لا يجب علينا الاحتياط في أطراف علمنا بل لا يجوز في الجملة كما لا يجوز الرجوع إلى الأصل في المسألة من استصحاب و تخيير و براءة و احتياط و لا إلى فتوى العالم بحكمها.
- خامسها أنه كان ترجيح المرجوح على الراجح قبيحاً فيستقل العقل حينئذ بلزوم الإطاعة الظنية لتلك التكاليف المعلومة و إلا لزم بعد انسداد باب العلم و العلمى بها إما إهمالها و إما لزوم الاحتياط في أطرافها و إما الرجوع إلى الأصل الجارى في كل مسألة مع قطع النظر عن العلم بها أو التقليد فيها أو الاكتفاء بالإطاعة الشككية أو الوهمية مع التمكن من الظنية.



الإجماع

لزوم العسر الشديد
و الحرج الأكيد

الاحتياط غير
واجب

اهمال احكام

- مقدمة سوم
- شهيد صدر - رضوان الله تعالى عليه - در تقرير اين مقدمة مي فرمايد* اجرائى براءت در تمام موارد علم اجمالى با فرضى كه تا اينجا پذيرفته ايم، مستلزم خروج از دين است. بعدها اين تصور پيدا شد كه اگر ما براءت جارى كنيم، به كافر تبديل مي شويم و احكام كافر بر ما مترتب مي شود.
- * حسيني الحائري، السيد كاظم، مباحث الأصول، ج ۲، ص ۶۶۰.

اهمال احكام

- الثانى - لزوم الخروج عن الدين من إجراء البراءة فى تمام الشبهات
- ١- و ليس المراد بالخروج عن الدين فى المقام الخروج عنه بنحو يساوق الكفر كى يقال: إن ترك الواجبات اليقينيّة لا يوجب الكفر فضلا عن ترك الاحتياط فى هذه الشبهات،

اهمال احكام

- ٢- كما أنه ليس المراد بالخروج عن الدين في المقام وقوع المخالفة الكثيرة للدين كى يقال: إن المخالفة الكثيرة للدين إن كان المحذور الذى يتصور فيها عبارة عن منافاتها لقانون منجزية العلم الإجمالى فهذا يرجع إلى الوجه الثالث، و إن فرض فيها محذور نفسى أى أن المخالفات الكثيرة فى الشريعة لها حرمة وراء حرمة كل مخالفة مخالفة، فهذا مما لا دليل عليه،

اهمال احكام

- بل المراد من ذلك هو دعوى قيام الضرورة على أن الشارع لم يجعل أصالة البراءة في تمام هذه الشبهات، و هذا يصح ادعاؤه و استفادته من مجموع ما جاء في الشريعة من أقوال و أفعال و ما عرف من مقدار اهتمام الشارع بالأحكام و هذا الوجه تام في المقام.

اهمال احکام

- بعضی‌ها اشکال کردند که در اجرای احکام مسلمان بر یک فرد التزام به احکام شرعی لازم نیست و مسلمان کسی است که تنها شهادتین را بگوید؛ چنان‌که این همه مسلمان در دنیا داریم که اصلاً با احکام هم آشنا نیستند و حتی نمی‌دانند نماز خوراکی است یا پوشاکی! ولی مسلمان به شمار می‌آیند؛

اهمال احکام

- اگر کسی التزام عملی نسبت به احکام شرعی نداشت، فاسق است اما کافر نیست. برخی قائل اند کسی که به احکام دین التزام ندارد، کافر است. در حقیقت آنها فسق را مستلزم کفر می دانند. از دید مکتب اهل بیت - علیهم السلام - فسق و کفر دو موضوع جداگانه هستند.
- البته التزام عملی به احکام جزء شرایط ایمان است.

اهمال احکام

- در محل بحث برای اثبات یک سری از احکام، علم و برای تعدادی هم علمی داریم؛ ولی این موارد علم و علمی، از معلوم بالاجمال کمتر است.
- اگر به آن علم و علمی‌ها ملتزم باشیم و در بقیه برائت جاری کنیم، خروج از اسلام محسوب نمی‌شود؛ چون طبق توضیحی که دادیم التزام عملی به احکام شرط اسلام نیست و اگر کل آن را هم عمل نمی‌کردیم، خروج از اسلام پیش نمی‌آمد، چه رسد به جزئی از آن‌ها.

اهمال احکام

- بنابراین معنای عبارت شیخ - رضوان الله تعالى عليه - این نیست که با اجرای اصول عملیه در همه اطراف علم اجمالی از اسلام خارج می شویم، بلکه یعنی این کار با ذوق شریعت نمی سازد.

اهمال احکام

- اینکه علم اجمالی مانع از جریان اصول عملیه است، در جایی مطرح می شود که مقدار معلوم بالاجمال در مقایسه با مقدار اطراف شبهه زیاد باشد؛ به گونه ای که در اصطلاح به آن شبهة محصوره می گویند.

معیار غیر محصوره بودن شبهه

- معیار غیر محصوره بودن شبهه
- برای اینکه بفهمیم یک شبهه محصوره است یا نه، باید مقدار معلوم بالاجمال را با اطراف شبهه مقایسه کنیم. اگر نسبت مقدار معلوم بالاجمال با اطراف شبهه خیلی کم باشد، می‌گوییم شبهه، غیر محصوره است؛

معیار غیر محصوره بودن شبهه

- مثلاً می دانم ذبح یکی از گوسفندهای مذبوح در سراسر ایران در امروز، شرعی نبوده است. فرض کنید در سراسر ایران پنجاه هزار گوسفند ذبح می شود و من می دانم ذبح یکی از آنها شرعی نبوده است. پس نسبت در این فرض یک به پنجاه هزار است و خیلی اندک به حساب می آید. اگر بدانیم ذبح ده هزار رأس از این پنجاه هزار گوسفند شرعی نبوده است، نسبت یک به پنج می شود و در این صورت دیگر شبهه، غیر محصوره نیست.

معیار غیر محصوره بودن شبهه

- به عبارت دیگر شبهه غیر محصوره این نیست که در آن تنها اطراف شبهه زیاد باشد، بلکه باید نسبت معلوم بالإجمال به اطراف شبهه کم باشد.

معیار غیر محصوره بودن شبهه

- طرح این نکته بدان سبب است که در بحث جریان اصول عملیه در اطراف شبهه غیر محصوره خواهیم گفت وقتی این نسبت کوچک شد، در نظر عقلا نادیده گرفته می شود و اصول عملیه در اطراف شبهه جاری می شوند.
- در این بحث هم که می گوئیم نمی تواند برائت جاری شود، در صورتی است که شبهه، محصوره باشد؛ یعنی نسبت آن مقدار از معلوم بالإجمال که بعد از حذف موارد علم و علمی باقی می ماند در مقایسه با اطراف شبهه کم نباشد.

معیار غیر محصوره بودن شبهه

- شک در محصوره یا غیر محصوره بودن
- اگر بدانیم شبهه، غیر محصوره است، اصول عملیه در اطرافش جاری می شود و اگر بدانیم محصوره است این اصول جاری نمی شود. حال اگر شک داشته باشیم که محصوره است یا غیر محصوره وظیفه چیست؟

معیار غیر محصوره بودن شبهه

باید توجه داشت که هیچ‌گاه نمی‌توانیم کاری کنیم که ابهام در مصادیق به طور کامل از بین برود. به هر حال در هر موردی یک دایرة ابهام مصداقی خواهیم داشت. در این موارد چاره‌ای جز تعیین وظیفه عملی از طریق مراجعه به اصول عملیه نخواهیم داشت.

معیار غیر محصوره بودن شبهه

حتی واضح ترین مفاهیم مانند آب ، دارای مصادیق روشن و مصادیقی که کاملاً از آن خارج است و مصادیقی که در صدق عنوان بر آن شک است می باشند. مثلاً اگر یک لیوان آب خالص را در نظر بگیریم شکی در آب بودن آن نداریم، حال اگر به آن مقدار کمی خاک اضافه کنیم باز شکی در آب بودن آن نخواهیم داشت ولی اگر این کار را ادامه دهیم قطعاً به جایی می رسیم که در آب بودن یا گل بودن آن شک می کنیم. البته اگر این کار ادامه یابد به جایی خواهیم رسید که شکی در گل بودن نخواهد بود.

معیار غیر محصوره بودن شبهه

در مورد شبهه محصوره نیز به مصادیقی برخورد می کنیم که در محصوره بودن یا نبودن آن شک حاصل می شود. در این گونه موارد نسبت به جریان اصول در اطراف شک خواهیم کرد. این امر تابع مبنایی است که در این مساله برگزیده ایم.

اگر غیر محصوره بودن شرط جریان اصول عملیه باشد، این اصول جاری نمی شوند و اگر محصوره بودن مانع جریان اصول مؤمنه باشد، این اصول جاری می شوند.

معیار غیر محصوره بودن شبهه

- یعنی به قدری است که اطمینان عقلائی به خلافش هست. برای مثال احتمال اینکه سقف کلاس الآن فرو بریزد، وجود دارد؛ چون چنین چیزی عقلاً محال نیست و از تحققش اجتماع نقیضین پیش نمی‌آید. اما اگر کسی به سبب این احتمال از کلاس بیرون برود، بقیه به او می‌خندند؛ زیرا این مقدار از احتمال در نظر عقلاً قابل اعتنا نیست.